



# انترناسیونال

## ۱۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۴ شهریور ۱۳۸۴، ۲۶ اوت ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: محسن ابراهیمی

اعلام موجودیت  
انجمن ضد دین  
صفحه ۸

کارگران پتروشیمی و  
۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد  
صفحه ۷

قانون اساسی عراق نسخه یک قهقرا  
اطلاعیه حزب  
صفحه ۴

قانون اساسی عراق  
در حاشیه رویدادها  
سیاوش دانشور  
صفحه ۸

## لیست شماره ۱

در پاسخ  
به فراخوان  
مالی حزب

صفحه ۷

## فراخوان مالی حزب اگر میخواهید!

متوقف گردد؛

اگر میخواهید:

از حاکم شدن قوانین شریعه در کانادا  
و دیگر کشورهای غربی جلوگیری  
شود؛ دختر بچه های "خانواده های

صفحه ۷

اگر میخواهید:  
احکام سنگسار و اعدام حاجیه  
اسماعیل وندها، آمنه لاوال  
ها، افسانه نوروزی ها، کبری  
رحمانپورها و دهها قربانی دیگر  
قوانین اسلامی لغو شود؛ سنگسار  
و اعدام در ایران و در همه جای دیگر

## کابینه جلادان

## و جبهه های جدید تعرض مردم

## مصاحبه با حمید تقوائی



در دوره ۸ ساله دولت دوم خردادی  
خاتمی، اختلافات جناحی در میان  
دار و دسته های جمهوری اسلامی به  
اوج خود رسید. در چند سال گذشته  
جناح راست قدم به قدم جناح دوم  
خرداد را عقب راند. مجلس هفتم را  
قبضه کرد و در ادامه در نتیجه یک  
کلاشی سازمان یافته سیاسی  
متقابل میان دار و دسته های  
مختلف حکومت اسلامی، جناح  
راست توانست احمدی نژاد، یک  
پادوی دست دومش که جزو مجریان  
اعدام در زندانها بوده است را به کاخ  
ریاست جمهوری اسلامی بفرستد.  
احمدی نژاد، ترکیبی از مخلصین  
حکومت اسلامی را که اغلبشان  
چهره های فعال در سرکوب و ترور  
بوده اند را به عنوان کابینه خود به  
مجلس اسلامی معرفی کرد و امروز  
قوه قضاییه و مجلس اسلامی و  
دولت در اختیار جناحی از حکومت  
اسلامی است و به اصطلاح حکومت  
اسلامی یکپارچه شده است. و لازم  
به ذکر است که در هر مرحله از این  
تحولات، اعتراضات مردم افت و

خیز داشته است اما یک لحظه هم  
تعطیل نشده است. این تحولات  
مسائل متعددی را در مقابل جنبش  
سرنگونی، انقلاب در حال تکوین  
مردم و فعالین چپ و کمونیست قرار  
میدهد. در شماره های اخیر همین  
نشریه به جوانب مختلف این اوضاع  
پرداخته شده است. اینجا، برای  
روشن شدن وجوه دیگری از وضعیت  
جدید پای صحبت حمید تقوائی،  
لیدر حزب کمونیست کارگری ایران  
می نشینیم. \*

صفحه ۲

## در مقابل دفاتر سازمان ملل جمع کنید! خواهان دستگیری و محاکمه احمدی نژاد شوید!

صفحه ۶

## پلاتفرم دفتر سیاسی علیه تروریسم اسلامی چگونه میتوان تروریسم اسلامی را نابود کرد؟

در ساحل دریا، با بمب و گلوله به  
خاک و خون میکشند. کودکان  
معصوم را در صف مدرسه به  
گروگان میگیرند و به قتل  
میرسانند.  
عامل این عملیات جنایتکارانه  
جنبش اسلام سیاسی و تروریسم  
صفحه ۵

تروریستی تبدیل شده است. تروریسم  
اسلامی دارد هر روز در گوشه ای از  
جهان فاجعه می آفریند.  
قربانیان این عملیات تروریستی  
عادی ترین مردم هستند. عابر و  
توریست بیخبر، و کودک و جوان و  
پیر را در خیابان، در اتوبوس، در  
مترو، در رستوران، در دیسکو و یا

موج عملیات تروریستی اسلامی  
جهان را در بر گرفته است. هر روز  
بمبی در گوشه ای از جهان تعدادی  
را به خاک و خون میکشد. از عراق و  
فلسطین و تل آویو و مصر و  
پاکستان و خاورمیانه گرفته تا  
نیویورک و بالی و مسکو و مادرید و  
لندن همه جا به صحنه عملیات کور

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ مصاحبه با حمید تقوایی

جنبش سرنگونی طلبی آرایش جدیدی بخود میگیرد؟

**حمید تقوایی:** احمدی نژاد و کابینه اش را با هدف ارباب و سرکوب جنبش سرنگونی طلبانه مردم روی کار آورده اند. در برابر گسترش اعتراضات مردم، که در بر آمدهای متعددی در چند سال اخیر، و از جمله مشخصا در خود دوره انتخابات، ابعاد و سمتگیری رادیکال و چپ خود را به همگان نشان داد، آخرین چاره را در روی کار آوردن قداره بنیان حزب الهی یافته اند. اما هم نفس به جلو راندن يك حزب الهی دست چنم، که حتی خود حکومتیان هم قبولش ندارند، و هم شیوه ای که به سر کار آورده شد، یعنی صندوقسازی و تقلبات وسیع و آشکار، حاکی از استیصال و ناگزیری حکومت در توسل به سرخوهر را بجای يك ژنرال بجلو میفرستند، بیشتر ضعف و ناتوانی خود را نشان میدهند تا قدر قدرتیشان را. به زور متوسل میشوند نه به این خاطر که توانش را دارند، بلکه به این دلیل که چاره دیگری ندارند. آمرین دست اول جنایت و سرکوب پشت عاملین دست چنم پنهان شده اند و برای مردم خط و نشان میکشند. این نشانه قدر قدرتی نیست، نشان ضعف و ناتوانی است. اگر جناح راست و خط ولی فقیه در جامعه و حتی در بین خود دار و دسته های حکومتی در موضع قدرت بود قاعدتا میبایست حزب الهی های درشتی نظیر ناطق نوری و عسگر اولادی و سردار طلائی در راس قرار میگرفتند. اما توان و امکان این را ندارند. علت این امر اساسا اینست که شکست دو خرداد حاصل گسترش اعتراضات مردم بر علیه کلیت رژیم و قدرت گیری چپ در جامعه بود و نه قدرتمندی جناح راست. جناح راست خود مدتها قبل در برابر مردم مستاصل شده و اساسا بهین خاطر به دو خرداد نیاز پیدا کرده بود. همانطور که در نوشته های دیگر هم توضیح داده ام ("امواج انقلاب و خاکریز احمدی نژاد"، انترناسیونال شماره ۹۴، و "نگاهی به وضعیت سیاسی ایران"، انترناسیونال شماره ۹۷ و ۹۸)

هستند. در صورتی میشد از یکپارچه شدن رژیم سخن گفت که جناح راست به همه دار و دسته های نگران "حفظ نظام" کارآئی خودش را نشان داده بود و به يك خط و سیاست مسلط و هژمونیک در حکومت تبدیل شده بود. در حالیکه واقعیت عکس اینست. تحت فشار مبارزات مردم خط ولی فقیه هر روز در میان حکومتیان منزوی تر و غیر قابل دفاع تر شده است و تعداد فزاینده ای از دست اندر کاران حکومت و حتی آیت الله ها و مقامات درشتی که تا دیروز مجنوب و مرید ولی فقیه بودند به ناراضیان و منتقدین آشکار و پنهان ولی فقیه تبدیل شده اند. به همه این دلایل انتخاب احمدی نژاد نشانه یکپارچه شدن رژیم نیست، بلکه برعکس نقطه آغاز کشمکشها و دسته بندیهای تازه در حکومت است.

در مورد بخش دوم سؤال، اینکه آیا اصولا رژیم امکان یکپارچه شدن دارد، باید بگویم بسیار بعید است چنین اتفاقی آغاز روی کار آمدن دارای دار و دسته ها و جناحهای مختلفی بوده است. در ابتدا جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی را داشتیم و سپس جناح خط امام در مقابل جناح سازندگی را و بالاخره جناح راست و دو خرداد را. دار و دسته های فرعی تری نیز مثل حجتیه و جناح بازاریان و غیره همواره در حکومت وجود داشته اند. علت این دسته بندیها اختلاف بر سر خط مشی اداره جامعه و یا سیاستهای متفاوت اجتماعی و اقتصادی نبوده است، آنطور که مثلا در دولتهای متعارف بورژوازی در کشورهای غربی مشاهده میکنیم. علت جناحبندیها در جمهوری اسلامی همیشه مساله بقا و حفظ خود، و یا آنطور که خود جناحها صریحا میگویند، "حفظ نظام" در برابر جنبش اعتراضی مردم بوده است.

علت این جناحبندیها از همان دوره بنی صدر، اختلاف نظر بر سر خط مشی و شیوه حفظ حکومت اسلامی در برابر مردم بوده است و نکته مهم اینست که همواره این جناحها که گاهی هم بسیار حاد و قطبی مقابل یکدیگر قرار میگیرند، به شکل مکمل و لازم و ملزوم یکدیگر عمل

میکرده اند. این واقعیت را اولین بار منصور حکمت در نوشته درخشان "دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی" در تحلیل موقعیت و نقش جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی در حفظ کل حکومت اسلامی بروشنی نشان داد. در تحولات و جناحبندیهای بعدی حکومت نیز دقیقا همین تکمیل نقش و عملکرد یکدیگر در حفظ حکومت اسلامی را شاهد بوده ایم. البته خود سران و فعالین این جناحها معمولا تصویر و تعریف دیگری از خود بدست میدهند، مثل دو خرداد که خود را پیشرو رفم و بهبود تدریجی اوضاع میدانست و یا رفسنجانی که در دوره ریاست جمهوری از سازندگی اقتصادی دم میزد و یا حتی امروز که برخی احمدی نژاد را نماینده بهبود وضع زندگی مستضعفین از طریق توزیع پول نفت در میان مردم و غیره میدانند! اینها همه ظاهر و لباس و توجیه سیاسی این جناحبندیها است و نه معنا و مضمون سیاسی واقعی آنها. تعریف و تصور سران و فعالین این جناحها از خودشان هر چه باشد، علت وجودی و نقش واقعی آنها بقای حکومت و حفظ نظام است و تا زمانی که بحران سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی وجود دارد، یعنی تا لحظه مرگ این رژیم، مبنای جناحبندیهای حکومت چیزی جز این تلاش برای بقا نخواهد بود.

**محسن ابراهیمی:** به مساله تقسیم پول نفت و ظاهر مستضعف پناهی احمدی نژاد اشاره کردید. به نظر شما چرا امکان ایجاد حداقل گشایشی در کار مردم با اتکا به درآمدهای نفتی که میزان آن هم مدام رو به افزایش است وجود ندارد؟ چرا حکومت نمیتواند با توزیع پول نفت در میان مردم جایگاهی برای خود بوجود بیاورد و بر این مبنای سیاستهای سرکوبگرانه اش را با دست بازتری به پیش ببرد؟

**حمید تقوایی:** این توهم "سرکوب بعلاوه تقسیم پول نفت" مدل سطحی تر و کاریکاتور مسخره ای از آنچه است که زمانی تحت عنوان مدل چینی قرار بود رفسنجانی در زمان ریاست جمهوری پیش پیاده کند. رفسنجانی هم میخواست باز سازی اقتصادی کند و به حکومت اختناق

اسلامی يك مبنای اقتصادی بدهد. آخر عاقبتش را دیدیم چه شد. حالا دارند باز همین داستان کهنه را در شکل پوچ تر تقسیم پول نفت در میان مردم مطرح میکنند. جامعه را نمیشود با خیرات و میراث اداره کرد. گیرم بعد از تامین مخارج ارتش و پاسداران و لباس شخصی ها و مستوری بگیران نماز جمعه ها و پر شدن جیب گشاد عبای کسانی مثل رفسنجانی و آقازاده هایشان که از بچگی پول دوست داشته اند" از درآمدهای نفتی، چیزی هم برای توزیع در میان "مستضعفین" بماند؟ نتیجه چه خواهد بود؟ به زندگی زیر خط فقر و بیکاری و بی تامينی مردم مساله تورم هم اضافه خواهد شد! محور اصلی سیاست اقتصادی هیچ دولتی نمیتواند بجز سازمان دادن تولید و باز تولید چیز دیگری باشد. وظیفه اصلی دولتها در جوامع سرمایه داری سازماندهی تولید و باز تولید سرمایه است و نقطه ضعف و پاشنه آشیل حکومت اسلامی دقیقا در اینست که نمیتواند این نقش را ایفا کند. این حکومت بخاطر پروسه شکل گیری اش و هویت ایدئولوژیک اسلامی اش قادر به تامین شرایط کار کرد سرمایه نیست و در پایه ای ترین سطح ریشه بحران سیاسی و اجتماعی حکومت در همین است.

امروز با روی کار آمدن احمدی نژاد، که اولین پیامد اقتصادی تعطیل شدن بازار بورس تهران بود، این ناتوانی حکومت در سر و سامان دادن به اقتصاد و شرایط کارکرد سرمایه بمراتب تشدید شده است. تا آنجا که به کارگران و اکثریت مردم زحمتکشی که زیر خط فقر زندگی میکنند مربوط میشود روی کار آمدن احمدی نژاد به معنای بی کاری و بی تامينی و فقر بیشتر خواهد بود و بس!

از يك جنبه دیگر نیز ریاست جمهوری احمدی نژاد درست نقطه مقابل آن تحلیل کذائی اقتصادی است که از انتخاب وی بدست میدهند. در تمام دوره دو خرداد از جانب حکومت و تحلیلگران دو خردادی و حتی مفسران کودن و کوته فکر اپوزیسیون چنین تبلیغ میشد که جامعه در حال حرکت به سمت يك اقتصاد متعارف و نسبتا با ثبات سرمایه داری است و جمهوری

## از صفحه ۲ مصاحبه با حمید تقوایی

اسلامی دارد خود را با ضروریات کارکرد سرمایه و شرایط بانک جهانی و غیره همسو و منطبق میکند. روی کار آمدن احمدی نژاد همه این نوع تحلیلها و تبلیغات عوامفریبانه و کوتاه بینانه را نقش بر آب کرد و روشن شد که مساله حکومتیان نه سر و سامان دادن به اقتصاد بلکه تشبیت سیاسی حکومت اسلامی به هر قیمتی است. ما همیشه بر این واقعیت تاکید میکردیم که برای جمهوری اسلامی سیاست زیر بنای اقتصاد است و این حکم با روی کار آمدن احمدی نژاد یکبار دیگر صحت خود را نشان داد. احمدی نژاد و کابینه اش محصول بحرانزدگی، درماندگی سیاسی و بی آیندگی حکومت اسلامی بعنوان یک نظام متعارف سرمایه داری است و هیچ نوع حکمت و دلیل اقتصادی تراشی و مستضعف پنهان برای این دولت جدید، که معمولا توسط همان مفسرین اقتصادی دو خردادی که میخواستند برای دولت خاتمی نیز رسالت اقتصادی بتراشند صورت میگردد، نمیتواند این حقیقت پایه ای را پنهان کند.

**محسن ابراهیمی:** در هفته های گذشته تعدادی احکام اعدام صادر شده است و در مواردی هم اجرا شده است. در جریان اعتراضات کردستان تعداد زیادی دستگیر شده اند، شکنجه شده اند و هنوز هم در زندان هستند. دوباره دارند از عباراتی مثل "محارب با خدا" و "مفسد فی الارض" استفاده میکنند. اینها ادبیات دوره سرکوب و تشبیت رژیم اسلامی در سالهای بعد از شکست انقلاب ۵۷ است. آیا رژیم اسلامی تدارک یک سرکوب وسیع را می بیند؟ آیا حکومت خیال بازگرداندن اوضاع به دوران سرکوب سالهای اول بعد از انقلاب و مشخصا ۳۰ خرداد ۶۰ را در سر دارد؟ آیا رژیم اسلامی چنین توان و امکانی دارد؟

**حمید تقوایی:** خیر. تا آنجا که روند اوضاع و شرایط سیاسی عمومی جامعه نشان میدهد رژیم توان احیای شرایط اختناق دوره ۳۰ خرداد ۶۰ را ندارد. در آن دوره ضدانقلاب تازه بقدرت رسیده

اسلامی در حال تثبیت قدرت خود بود و جنبش انقلابی مردم بدلائیل متعددی از جمله ضعف چپ و توهم بخشی از مردم و حتی سازمانهای چپ به خمینی و حکومت اسلامی در حال فروکش کردن و عقب نشینی. امروز شرایط کاملا بر عکس است. جنبش انقلابی مردم و قدرت چپ در این جنبش رو به رشد و گسترش است و رژیم در حالت ضعف و استیصال به سر میبرد. بنا بر این حتی اگر در کوتاه مدت ارباب و سرکوب مردم شدت بگیرد احیای شرایطی نظیر سالهای اول دهه شصت و یا دوره جنگ با عراق و یا تابستان ۶۷ غیر ممکن است.

اما باید توجه داشت که مانند همه پیش بینی های سیاسی، بویژه در شرایط متحولی مثل وضعیت سیاسی ایران، نقش مردم در سیر تحولات کاملا تعیین کننده است. روند عمومی اوضاع، موفقیت سیاست سرکوب و ارباب را غیر ممکن میکند اما آنچه این ناممکنی تحلیلی و نظری را به یک امر واقعی تبدیل میکند همانا مبارزه و اعتراض فعال مردم در برابر این وضعیت است. روشن است که رژیم قصد دارد تا هر جا که زورش میرسد و تیغش میبرد بزند و بکوبد و ببندد و هم اکنون در شهرهای کردستان ما تا درجه ای شاهد این بگیر و ببندها هستیم. آنچه دست حکومت را در پیشبرد این سیاست میندند سد مقاومت و اعتراض مردم است. در نهایت این مردم هستند که با مقاومت و اعتراض خودشان در برابر این سیاست میتوانند آرزای خنثی کنند و رژیم را عقب برانند. و شرایط عمومی سیاسی در ایران همانطور که اشاره کردم نشان میدهد که زمینه این اعتراض و تعرض مردم فراهم است. به حکم شرایط سیاسی عینی امروز میتوان و باید با تعرض به مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم برخاست. این حکم را همیشه نمیتوان داد. مثلا در شرایط بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ امکان سازماندهی یک تعرض گسترده به رژیم سرکوبگر وجود نداشت و در آن دوره وظیفه نیروهای چپ و انقلابی اساسا حفظ نیروی خود و گردآوری قوا برای سازماندهی مبارزه در دوره های

بعدی بود. اما امروز هم جنبش انقلابی مردم و هم حضور حزب و نفوذ سیاستها و شعارهای چپ در این جنبش به حدی رسیده است که سازماندهی این تعرض کاملا ممکن و ضروری است. ضروری است چون تنها به این شیوه میتوان سیاست سرکوب و ارباب رژیم را خنثی و بی اثر کرد. هر نوع سر خم کردن و حتی مقاومت منفی، از نوع شیوه های نافرمانی مدنی دوخردادیها و سلطنت-جمهوریخواهان، راه را برای ارباب و سرکوب بیشتر و شدید تر باز خواهد کرد. بنا بر این جواب من به این سؤال که آیا رژیم توان و امکان ارباب و سرکوب را دارد اینست که از نظر تحلیلی و سیر روند عمومی اوضاع در ایران رژیم چنین امکانی را ندارد، اما از نظر عملی مساله تماما به دخالت فعال مردم و تعرض جنبش انقلابی آنان در مقابل حکومت بستگی پیدا میکند. حزب ما به سهم خود با تمام توان سعی میکند این تعرض را سازمان دهد و به پیش براند.

**محسن ابراهیمی:** همینجا اجازه بدهید چند کلمه در باره موقعیت جهانی رژیم اسلامی صحبت کنیم. اینجا به طور مشخص دو سؤال مطرح است. اول، ماجرای پروژه اتمی حکومت اسلامی و دوم موقعیت اسلام سیاسی در عراق. بعد از انتخاب احمدی نژاد، رژیم اسلامی فعالیتهای هسته ای اش را شروع کرده است و ظاهرا دارد در مقابل سازمان جهانی انرژی اتمی دهن کجی میکند. از طرف دیگر، در عراق در جریان تدوین قانون اساسی، دسته های اسلامی سر به جمهوری اسلامی دست بالا دارند و در تدارک یک قانون اساسی اسلامی هستند. به نظر میرسد که کاخ سفید هم دارد رسما پای یک قانون اساسی اسلامی در عراق امضا میگذازد. ظاهرا خاتمی با تئوری عوامفریبانه گفتگوی تمدنها نتوانست موقعیت رژیم در میان دول غرب را تحکیم کند ولی احمدی نژاد با کابینه ترور و فعالیت هسته ای دارد به این هدف میرسد. تحلیلان از موقعیت بین المللی جمهوری اسلامی چیست؟ اوضاع دارد به کدام سمت میرود؟ آیا موقعیت جهانی جمهوری اسلامی در حال تحکیم است؟

**حمید تقوایی:** جمهوری اسلامی از نقطه نظر استراتژیک حکومت مطلوب دولت آمریکا و سایر دول غربی نیست. غرب ترجیح میدهد یک حکومت متعارف سرمایه داری که رسما و علنا طرفدار غرب باشد- بعنوان مثال دولتی نظیر دولت مصر و یا ترکیه- در ایران روی کار بیاید. اما در عین حال دولتهای غربی روابط خود با جمهوری اسلامی را بر مبنای امکانات و شرایط مشخص در هر مقطع و به شیوه ای کاملا پراگماتیستی تعیین میکنند. برخورد آنها به کابینه احمدی نژاد نیز بر همین مبناست. گرچه ریاست جمهوری یک حزب الهی از نقطه نظر افکار عمومی و ادعاهای حقوق بشری دول غربی کار را برای این دولتها مشکل میکند اما این مشکل غیر قابل حل نیست. اینها در هر حال پوسته تبلیغی سیاست خارجی دولتهای غربی است و بسادگی قابل نظر کردن است. از سوی دیگر جناح راست و خط ولایت فقیه بارها نشان داده است که هر اندازه هم که بر طبل مقابله با شیطان بزرگ بکوبد، کاملا برای بند و بست و سازش پشت پرده با آمریکا و دولتهای غربی آماده است و دولت احمدی نژاد هم همین ظرفیت را دارد. بنا بر این تا آنجا که به خود حکومتها مربوط میشود نزدیکی غرب با جمهوری اسلامی با مانع غیر قابل عبوری روبرو نیست. اما در یک سطح پایه ای مساله تماما به توانایی حکومت جمهوری اسلامی به تخفیف بحران های داخلی و یا عبارات بهتر مقابله با جنبش انقلابی مردم مربوط میشود. هر اندازه حکومت بتواند خود را در داخل کشور تثبیت کند به همان میزان احتمال کنار آمدن غرب با حکومت بیشتر میشود.

نکته دیگر جایگاهی است که اسلام سیاسی پرو غرب و یا غیر متخاصم با غرب در سیاست خارجی آمریکا و کلا نظم نوین مورد نظر دول غربی پیدا کرده است. همانطور که اشاره کردید در عراق به یک دولت و قانون اساسی اسلامی دارند رضایت میدهند و در افغانستان هم از مدتها قبل دولت اسلامی نوع کزای این موقعیت را کسب کرده است. این توسل به اسلام و دولتهای اسلامی یکی از ارکان نظم نوین جهانی است که در آن کلا

مذهب و قومیت و راسیسم و ناسیونالیسم افراطی بجلو رانده شده و در عرصه سیاست جهانی نقش برجسته ای پیدا کرده اند. من در پلنوم ۲۲ حزب در این مورد مفصلا صحبت کردم و در اینجا وارد این بحث نمیشوم (خوانندگان علاقمند میتوانند به نوشته "دوره پسا جنگ سرد و پولاریزاسیون طبقاتی در ایران"، انترناسیونال ضمیمه شماره ۸۱ رجوع کنند). در اینجا تنها لازمست بر این تاکید کنم که موقعیت جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در ایران با موقعیت آن در کشورهای افغانستان و عراق و یا کشورهای که اسلام سیاسی در اپوزیسیون قرار دارد کاملا متفاوت است. ایران اولین کشوری است که اسلام سیاسی در آن بقدرت رسید و امروز یک جنبش انقلابی وسیع علیه آن شکل گرفته است. در هیچ جامعه ای مانند ایران تنفر از مذهب و حکومت مذهبی عمومیت ندارد و در هیچ جامعه ای مانند ایران سکولاریسم مطلوب و مقبول مردم نیست. تمام توهماتی که اسلام سیاسی در اپوزیسیون، در عراق و فلسطین و کشورهای شمال آفریقا بر آن مبتنی است، در ایران رنگ باخته و جای خود را به یک نقد چپ و رادیکال از حکومت مذهبی داده است. در واقع ایران پایان خطی است که در خاورمیانه و شمال آفریقا دارد آغاز میشود. از اینرو گرچه این خط شریک کردن اسلام سیاسی در قدرت امروز در استراتژی غرب وارد شده است اما در رابطه با ایران نمیتواند کاربردی داشته باشد. مردم و جنبش چپ انقلابی در ایران این اجازه را نمیدهند و یک نتیجه فوری پیروزی این جنبش شکست اسلام سیاسی هم در سطح منطقه ای در خاورمیانه و شمال آفریقا و هم بعنوان جزئی از استراتژی نظم نوین جهانی، خواهد بود.

**محسن ابراهیمی:** شما در تمام نوشته ها و مصاحبه هایتان این تحلیل را داشته اید که جنبش سرنگونی و انقلاب علیه رژیم اسلامی رو به گسترش است و قدرتمندتر میشود آیا با سرکار آمدن جناح راست و احمدی نژاد و کابینه اش، موقعیت این جنبش عوض

## از صفحه ۳ مصاحبه با حمید تقوایی

خواهد شد؟ این جنبش در موقعیت ضعیف تری خواهد داشت؟

**حمید تقوایی:** به نظر من جنبش انقلابی مردم نه تنها فروکش نخواهد کرد بلکه جبهه ها و عرصه های جدیدی در مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی گشوده خواهد شد. با از دور خارج شدن دو خرداد و شکست خط مصالحه و مسامحه و تغییرات تدریجی، جنبش انقلابی و افق انقلاب و سرنوشتی طلبی در جامعه تقویت خواهد شد. دیگر نشستن بین دو صندلی و ایفای نقش "اپوزیسیون پرو رژیم" امکان پذیر نیست و دل بستن به جناحی در برابر جناح دیگر غیر ممکن شده است. روی کار آمدن احمدی نژاد همه تئوریهای سازشکارانه تغییرات تدریجی، نافرمانی مدنی و اعتقاد به استحاله جمهوری اسلامی به یک نظام متعارف سرمایه داری را نقش بر آب میکند و یک بار دیگر حقانیت و مطلوبیت خط انقلاب و سرنوشتی کل نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب را در یک مقیاس اجتماعی به همگان نشان میدهد. این برای انقلابیون چه یعنی امکان پیشروی و تعرض بیشتر. در اینجا نیز نقش عامل اراده و دخالتگری در سیر تحولات تعیین کننده است. این امکان بالقوه تعرض و پیشروی تنها با ایفای نقش یک حزب چپ انقلابی مانند حزب ما و سازماندهی و بسیج و بحركت در آوردن نیروی مردم میتواند به یک امر بالفعل تبدیل شود و تحقق پیدا کند. و ما با تمام توان خود به این مسئولیت و وظیفه خطیر پاسخ خواهیم داد.

**محسن ابراهیمی:** ممکن است توضیح بدهید که مشخصاً شرایط جدید چه وظایف و فعالیتهای جدیدی را در دستور حزب قرار میدهد؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشا ره کردم با روی کار آمدن احمدی نژاد جبهه های تازه ای در برابر ما گشوده میشود. دولت تازه حتی از نظر حقوقی و فرمال نیز دولتی آشکارا غیر قانونی و نامشروع است و حتی بخشی از خود حکومتیان هم آنرا برسمیت نمیشناسند. حتی اگر این دار و دسته بدون تقلب و صندوقسازی روی کار می آمدند ذره ای رسمیت و قانونیت نداشتند.

خود را خواهیم داشت، اما هنوز هیچیک از این دلایل بکار گرفتن نیروی ارتش علیه مردم را توجیه نمیکند. چنین ادعا میکنند که ارتش را برای "جنگ با بیگانگان" و "پاسداری از مرزهای کشور" و خزعبلائی از این قبیل سازمان داده اند و ما باید این ادعایشان را بر سرشان بگوییم و بگیریم تحت هیچ شرایطی مجاز نیستید ارتش را بر علیه مردم و اتباع خود به کار بگیرید. میتوان و باید یک کمپین وسیع را بر این مینا سازمان داد و بخش وسیعی از مردم را در ایران و در کشورهای خارج ایران حول شعار "خراج ارتش از شهرها" و "استفاده از نیروهای نظامی در مقابل مردم ممنوع" بسیج و فعال کرد. سربازان و درجه داران جزء خود بخشی از مردم طرف خطاب این کمپین خواهند بود.

بخش دیگر مبارزه ما سازماندهی جنبش آزادی دستگیر شدگان اخیر در شهرهای کردستان و کلا آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی خواهد بود. ما سعی خواهیم کرد تمام خانواده های دستگیر شدگان اخیر و زندانیان سیاسی را بسیج کنیم و از سوی دیگر تمامی اتحادیه های کارگری و احزاب و نهادهای مترقی را به پشتیبانی از امر آزادی زندانیان سیاسی در ایران فرا بخوانیم. ما در مقابل هر دستگیری و اعدام و شکنجه دنیا را بر سر جمهوری اسلامی خراب خواهیم کرد.

پرداختن و فعال شدن در این عرصه ها ی جدید بهیچوجه به معنای کمزنگ شدن عرصه های دیگر نبرد ما با جمهوری اسلامی نیست. مبارزه همیشگی ما علیه اعدام و سنگسار و علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و مبارزه برای ۴۵۰ هزار تومان حد اقل دستمزد و علیه بیکارسازیها و دیگر مطالبات کارگری باید با قدرتی بیش از گذشته به پیش برده شود. شرایط جدید این مبارزات را مبرم تر و عاجل تر کرده است. خلاصه کنم. در شرایط تازه، جنبش انقلابی مردم امکانات بالقوه زیادی برای تعرض و پیشروی دارد و حزب ما در آن موقعیت هست و این توان را دارد که این امکانات را به واقعیت تبدیل کند. \*

## قانون اساسی مورد بحث در عراق نسخه یک قهقراست

خواهان پایان دادن فوری به اشغال و فضای نظامی، و خلع سلاح نیروهای تروریست اسلامی و قومی هستند. این قانون اساسی، مستقل از درجه سازش جریانات شکل دهنده آن، یک قانون فوق ارتجاعی برای شکل دادن به یک نظام و حکومت مرتجع و سرکوبگر است. این قانون و حکومت مبتنی بر آن از هم اکنون نطفه جنگها و کشاکشهای قومی و مذهبی آتی را نیز در خود پرورش میدهد. حکومتی که با اتکا به تعصبات اسلامی و قومی نافعی ابتدایی ترین و بدیهی ترین حقوق مدنی و آزادی عمل شهروندان عراق است. این قوانین و این حکومت بهیچوجه مردم را نمایندگی نمیکند. حزب کمونیست کارگری ایران تلاش و بند و بست آمریکا و جریانات ارتجاعی برای حاکم کردن یک حکومت قومی و مذهبی بر سرنوشت مردم عراق را قویا محکوم میکند. این حکومت نباید به عنوان "دولت عراق" در هیچ مجمع بین المللی برسمیت شناخته شود. پایان دادن به فضای جنگ و تروریسم، خروج نیروهای نظامی آمریکا و متحذینش از عراق و خلع سلاح جریانات تروریست اسلامی و در کنار آن اعلام رسمی جدایی دین از دولت و از آموزش و پرورش و کنار گذاشتن کامل تعلق مذهبی و قومی از حقوق و هویت شهروندی، اولین پیش شرطهای دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خویش است. حزب کمونیست کارگری بشریت آزادیخواه و کارگران و مردم عراق را فرامیخواند که علیه روند قهقراپی کنونی در عراق که قرار است جنگ و کشمکش طولانی قومی و مذهبی را در این کشور نهادینه کند، بایستند و به آمریکا و متحذینش قاطعانه "نه" بگویند! آنچه در عراق میگذرد یک شاهد زنده و قاطع بر این حکم است که در دنیای امروز نه فقط تضمین آزادی و برابری و عدالت اجتماعی کامل برای همه شهر وندان، بلکه برپائی یک نظام واقعا سکولار و مدرن نیز تنها امر صف چپ و سوسیالیست جامعه است و تنها جمهوری سوسیالیستی مبتنی بر اراده آزاد و شوراهای مردم میتواند حقوق و رفاه و آزادی انسانی را تضمین نماید.

"دمکراسی نظم نوینی" متکی به بمب و موشک و کشتار سبانه مردم از هوا و دریا و زمین، دارد میوه میدهد! آنچه بعنوان قانون اساسی عراق به پارلمان کذایی این کشور ارائه شده و زیر نظارت و فشار آمریکا و بند و بست جریانات ارتجاعی در عراق تهیه شده قرار است به یک حکومت عقب مانده و ضد جامعه، متکی بر اصالت مذهب و قومیت، علیه شهروند و حقوق شهروندی، علیه جامعه سیویل و سکولار، حکومتی ضد زن و ضد کارگر و ضد آزادی و ضد پیشرفت شکل دهد!

عراق آزمایشگاه "دمکراسی خاورمیانه ای" جورج بوش و حکومت دست راستی آمریکاست. میخوانند جامعه ای متکی بر اقوام و مذاهب که مناسبات مابین آنها را قوانین اسلامی تعیین میکنند به مردم تحمیل کنند! مردم بر مبنای این قانون اساسی یا کردند یا سنی یا شیعه و ناگزیرند نه بعنوان انسانهایی متساوی الحقوق، بلکه با این هویتهای کاذب و در چارچوبه های قومی و مذهبی با معیارها و سنتها و روسای مرتجع و از قبل تعیین شده ابراز وجود کنند! کسی خارج از این دایره نه وجود دارد و نه حقوقی برایش برسمیت شناخته میشود. از شهروند و حقوق شهروندی خبری نیست! از جامعه سکولار و قوانینی که نسبت به تعلق مذهبی و ملی و قومی افراد کور باشد خبری نیست! از حقوق جهانشمول انسانی مستقل از مذهب و قومیت و رنگ و نژاد خبری نیست. رجعت مستقیم به قرون وسطی است! این قانون اساسی و نظام سیاسی و اداری محصول آن، دقیقا مانند لشکرکشی آمریکا به عراق، مشروعیت ندارد و حلقه ای دیگر از جنگ و کشاکش جریانات ارتجاعی و تروریست است که زندگی و آینده مردم عراق را با آن گرو گرفتند.

این قانون را باید تماما به زباله دان انداخت. برخلاف آمریکا و موثلفینش مردم عراق خواهان آزادی و رفاه و امنیت در عراق هستند. خواهان جامعه ای سکولار و قوانینی هستند که اعمال اراده آزاد کلیه شهروندان را در سیاست بطور مستمر تضمین کند. مردم عراق

## از صفحه ۱ پلاتفرم دفتر سیاسی ...

اسلامی است که زندگی و مدنیت مردم را به گروگان گرفته است. پرونده و کارنامه تروریسم اسلامی و جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی در نسل کشی و قتل عام و سربریدن و اعدام و سنگسار و جنایت شرعی عیان و غیر و قابل انکار جلوی چشم مردم جهان قرار دارد.

باید به این وضعیت خاتمه داد. تروریسم اکنون یک تهدید و خطر جدی علیه مدنیت و زندگی بشر و آزادیخواهی است. برای یک آینده انسانی باید بساط تروریسم را برچید. جهان را میتوان و باید از دست بمب گذارها و تروریستها خارج کرد.

برای نابودی تروریسم اسلامی باید دست به ریشه برد. "راه حل های" موجود دول غربی بارها شکست خود را اثبات کرده است. لشکر کشی و عملیات نظامی گسترده نه تنها پاسخ نیست، نه تنها عاملی در محدود کردن دامنه تروریسم اسلامی نبوده است، بلکه خود زمینه ساز و حلقه ای در گسترش عملیات تروریستی است. خود یک نمونه زنده عملیات تروریسم دولتی است.

آنچه که هیات حاکمه آمریکا به آن "جنگ جهانی علیه تروریسم" نام نهاده است، جنگی علیه تروریسم اسلامی نیست. چرا که به هیچیک از مبانی پایه ای در مبارزه با تروریسم اسلامی متکی نیست. برعکس خود بر بخشی از جریان اسلام سیاسی متکی است. اقدامی تروریستی و به همان اندازه دهنشکن است که شمره ای جز خانه خرابی و ناامنی و محرومیت بدنبال نداشته است. مبارزان افغانستان و عراق توسط آمریکا جنگی علیه تروریسم اسلامی نیست. اقدامی تروریستی و تبهکارانه در قطب دیگر تروریسم جهانی است. گوشه ای از سیاست ارتجاعی نظم نوین آمریکاست.

تجاوزگری، قلدری نظامی و بند و بست با جریانهای قومی و مذهبی از ارکان نظم نوین جهانی آمریکا هستند. این جنگ و لشکر کشی ها نه تنها ذره ای امنیت برای ساکنین اروپا و جوامع غربی بدنبال نداشته است بلکه بر عکس باعث گسترش عملیات تروریستی در سطح جهان شده است. هدف هیات حاکمه

آمریکا از این جنگ ها نه نابودی تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی بلکه تحکیم موقعیت و سلطه سیاسی و نظامی خود بر جهان به عنوان تنها ابرقدرت است.

در سیاست نظم نوینی آمریکا نه تنها دولتهای اسلامی جایگاه ویژه ای دارند، بلکه متکی شدن و یا شکل دادن به دولتهای اسلامی و قومی یک رکن سیاست کنونی آن در خاورمیانه است. در این سیاست نه تنها دولتهای اسلامی میتوانند سر کار باشند، بلکه حتی تروریسم اسلامی تا زمانیکه متوجه غرب و متحدین غرب نباشد، مجاز است. مقابله همه جانبه با سیاستهای تجاوزگرانه و قلدری نظامی و سیاسی آمریکا یک رکن تعیین کننده نابودی تروریسم اسلامی است. در عین حال باید در مقابل هر گونه تلاش دول غربی در محدود کردن آزادیهای سیاسی و مدنی مردم و گسترش حاکمیت پلیسی به بهانه مقابله با تروریسم اسلامی، ایستاد.

## تروریسم اسلامی:

## رکن استراتژیک اسلام سیاسی

برای ریشه کن کردن تروریسم اسلامی باید به سراغ اسلام سیاسی، دولتهای اسلامی، جنبشها و سازمانهای اسلامی و دولتهای حامی این جریانها در سطح بین المللی رفت. برای پایان دادن به تروریسم دولتی باید دولتهای تروریست را بزیر کشید و سرنگون کرد. هم اکنون مردم در ایران در جدال برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند. سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش اسلام سیاسی و جریانهای اسلامی را بدون افق و چشم انداز خواهد کرد و نیروی عظیمی را برای برچیدن اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در کل خاورمیانه به حرکت در خواهد آورد.

برای پایان دادن به تروریسم غیر دولتی باید جلوی حمایت مادی و معنوی دولتهای غربی از جریانهای اسلامی رنگارنگ را گرفت. باید مذهب، اسلام، قوم پرستی، راسیسم و نسبییت فرهنگی و هر نظریه و تفکری که فرهنگ و آمال و ارزشهای یکسان و جهانشمول انسانی را به رسمیت نمی شناسد نقد کرد. و بالاخره باید به مشقات،

محرومیتها، ستم، استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و برخی را قربانی جریانات تروریستی میکند، پایان داد. تلاش ما برای نابودی تروریسم اسلامی، بخشی از مبارزه عمومی ما برای ایجاد جوامعی باز، آزاد، برابر، مرفه و سکولار است که در آن جان و حرمت و آسایش و امنیت انسان ارزش داشته باشد.

اما تروریسم اسلامی صرفا کار چند گروه مرتجع و آدمکش اسلامی بریده از جامعه نیست که با نابودیشان بتوان بساط تروریسم اسلامی را برچید. تروریسم اسلامی یک رکن استراتژیک جنبش اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی آن جنبش ارتجاعی و بستری است که جریانات تروریست اسلامی بر متن آن فعالیت میکنند. اسلام سیاسی جنبشی ارتجاعی با پرچم اسلام بمنظور تجدید سازمان دهی قدرت سیاسی در سطح جوامع خاورمیانه است. این جنبش مدعی قدرت سیاسی در کشورهای مسلمان نشین است. این جنبش ارتجاعی اکنون پر و بال خود را به جوامع غربی نیز گسترانده است.

اسلام سیاسی جنبشی ارتجاعی است که برای تجدید سازماندهی حاکمیت سیاسی جوامع خاورمیانه و مقابله با چپ و طبقه کارگر به میدان آمد. این جنبش را غرب در دوران جنگ سرد از حاشیه جوامع خاورمیانه برای مقابله با آزادیخواهی و برابری طلبی و سوسیالیسم و فشار به بلوک رقیب به جلوی صحنه سیاست کشاند. این جنبش ارتجاعی در دوران پس از جنگ سرد در دوران "نظم نوین" توانست جایگاه برجسته ای در سیاست جهانی، از بوسنیا و چینیا و فلسطین و شمال آفریقا تا برخی از جوامع غربی، پیدا کند. در ایران اسلام سیاسی به کمک غرب به قدرت رسید و خود را در شکل یک حکومت سازمان داد و به همین اعتبار جنبش اسلام سیاسی را به یک نیروی آدمکش با امکانات وسیع دولتی در سطح منطقه تبدیل کرد. این جنبش اکنون یک پای جنگ قدرت در کشورهای مسلمان نشین در خاورمیانه است. و در جنگی برای بقا دست به عملیات تروریستی میزند. پلاتفرم ما برای نابودی تروریسم اسلامی به قرار زیر

است:

## حل مساله فلسطین

کشور مستقل فلسطینی باید تشکیل شود. مردم فلسطین باید کشور مستقل و دولت متساوی الحقوق خود را داشته باشند. اسلام سیاسی از ظلم و ستمی که تاریخا بر مردم فلسطین رفته است تغذیه میکند. این جنبش ارتجاعی علیه غم اینکه کوچکترین ربطی به ستم وارده بر مردم فلسطین ندارد اما از نارضایتی و بی حقوقی مردم در فلسطین و خاورمیانه بهره برداری میکند و برای خود سرمایه سیاسی میسازد. باید دولت اسرائیل و حامیان غربی آن را تحت فشار قرار داد تا صلح و ایجاد دولت مستقل فلسطینی را با تمام حقوق شناخته شده بین المللی برسمیت بشناسد. باید دول غربی را تحت فشار قرار داد تا به حمایت بی قید و شرط خود از سیاستهای ارتجاعی و تجاوزگرانه دولت اسرائیل خاتمه دهند. تشکیل کشور فلسطینی و برقرار صلح پایدار در خاورمیانه رکن اساسی و یک پایه ریشه کن کردن تروریسم اسلامی در سطح جهان است.

## پایان فوری اشغال نظامی عراق

لشکر کشی نظامی و اشغال عراق خود یک نمونه زنده عملیات تروریسم دولتی توسط آمریکا و بریتانیا و متحدینشان است. بمباران و اشغال عراق نه تنها موجب تخفیف عملیات تروریستی و یا کم کردن مشقات مردم نشد، بلکه باعث از هم پاشیدگی شیرازه جامعه، از بین رفتن امنیت مدنی و اجتماعی و اقتصادی، و باعث گسترش بیسابقه عملیات تروریستی شده است. عراق اکنون به کعبه و پایگاه اصلی تروریسم اسلامی تبدیل شده است. هر روز در گوشه ای تروریسم اسلامی با عملیات انتحاری گروهی را به هلاکت میرساند. مشقاتی که اکنون مردم عراق به علت مصائب ناشی از اشغال نظامی و تحرك گسترده اسلام سیاسی متحمل میشوند، تاثیر جانگدازی بر زندگی و روحیات نسلها بجا خواهد گذاشت. به اشغال نظامی عراق باید پایان داد. کلیه گروههای تروریستی اسلامی باید خلع سلاح شوند. تا برقراری شرایط متعارف و عادی زندگی در عراق، نیروهای سازمان

ملل و کشورهای غیر درگیر در جنگ علیه عراق باید صلح و امنیت مردم را تامین کنند. یک رکن مهم ریشه کردن تروریسم اسلامی پایان دادن فوری به اشغال نظامی عراق و تخفیف مشقاتی است که مردم عراق اکنون به آن دچار شده اند.

## پایان دادن به حمایت غرب از دولتها و احزاب اسلامی

بدون حمایت دول غربی رژیم اسلامی در ایران به سر کار نمی آمد و بدون حمایت این دولتها قادر به بقا نخواهد بود. بدون حمایت دول غربی نظامهای برده داری و شیوخ مختلف در عربستان سعودی و امیر نشینان حاشیه خلیج قادر به بقا نخواهند بود. بدون حمایت غرب دولتهای کشورهای مسلمان نشین قادر نمیشدند قوانین اسلامی را به یک رکن سیاه زندگی مردم تبدیل کنند. بدون حمایت غرب جریانات اسلامی و طالبان در افغانستان قدرت نمیگرفتند. بدون حمایت غرب جریانات اسلامی در عراق به نیرویی اصلی در قدرت سیاسی تبدیل نمیشدند. بدون حمایت سیاسی، نظامی و دیپلماتیک غرب از دولتهای اسلامی مردم این منطقه بسرعت این دولتها را بزیر خواهند کشید. برای پایان دادن به تروریسم دولتی باید این دولتها را بزیر کشید. باید جلوی بند و بست و حمایت دول غربی از دولتها و جریانات و احزاب اسلامی را در هر شکل آن، چه ضد غربی و چه پرو غربی، گرفت.

دولتها و رسانه های غربی برای توجیه دفاع خود از جریانات اسلامی مقوله فاندمانتالیسم اسلامی را پیش کشیده اند تا بتوانند شاخه های ضد غربی اسلام سیاسی را از شاخه های پرو غربی و اهل بند و بست و سازش آن جدا کنند. این سیاست قدرتهای غربی را باید افشاء کرد. باید تاثیرات مخرب آن در گسترش دامنه تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی را به مردم خاطر نشان کرد. پیش کشیدن بنیادگرایی اسلامی و یا اسلام "خوب و بد" راهی برای بقاء جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی بدون حمایت غرب قادر به بقاء نیست و از مردم آزادیخواه و سکولاریسم و

## از صفحه ۵ پلاتفرم دفتر سیاسی ...

سوسیالیسم بسرعت شکست خواهد خورد.

## دفاع پیگیر از سکولاریسم

جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی اکنون پر و بال خود را به محیط‌های اجتماعی اسلامی در کشورهای غربی نیز گسترانده است. این جنبش از یک طرف زندگی و حقوق مدنی این مردم و به خصوص زنان و دختران و قوانین سیاه ارتجاعی را به آنها تحمیل کرده است. و از طرف دیگر این محیط‌ها را عملاً به پایگاه‌هایی برای سربازگیری در عملیات انتحاری و آدمکشی تبدیل کرده است. دولتهای غربی از یک طرف با تز تماماً ارتجاعی نسبتب فرهنگی و از طرف دیگر بعضاً با دست شستن و یا حاشیه‌ای کردن مبانی سکولاریسم در ساختار دولت و آموزش و پرورش عملاً دست جریان‌های مرتجع اسلامی را در ارباب و تعرض به زنان و حاکم شدن بر سرنوشت و زندگی مردم باز گذاشته‌اند. این جریان‌ها حتی از کمک‌های مادی و معنوی دولتهای غربی نیز برخوردار هستند. برای ریشه کن کردن تروریسم اسلامی باید بدون قید و شرط از جهانشمولی حقوق مدنی و شهروندی انسانها در همه کشورها و در تمام محیط‌های اجتماعی اسلامی دفاع کرد. هر گونه زیر پا گذاشتن حقوق جهانشمول شهروندان و سازش و همکاری با جریان‌های اسلامی در حاکم کردن دین بر زندگی مردم در این جوامع باید محکوم شود.

در عین حال بدون دفاع پیگیر از سکولاریسم در خود جوامع غربی نمیتوان از سکولاریسم و حاکم شدن قوانین جهانشمول حقوق بشر و حقوق مدنی در محیط‌های مسلمان نشین بطور پیگیر دفاع کرد. یک پایه ریشه کن کردن اسلام سیاسی در جوامع غربی دفاع پیگیر از سکولاریسم در این جوامع و مقابله با قوانین و روندهایی است که منجر به نفوذ مذهب و دستگاه مافیایی مذهب در حاکمیت سیاسی این جوامع میشود.

## برچیدن مدارس اسلامی

مدارس اسلامی مراکزی برای گسترش دامنه آموزش و سیاستهای ضد انسانی اسلام سیاسی است. کودکان در مدارس اسلامی طعمه تحقیق و شستشوی مغزی و تحجر و عقب ماندگی اسلامی میشوند. در این مدارس نفرت، نا برابری انسانها، ضدیت با زن و آزادی و تمدن به کودکان خورانده میشود. این مدارس مجرای برای عضو گیری گروهها و فرقه‌های اسلامی و تروریستی هستند. دست مذهب را باید از آموزش و پرورش کوتاه کرد. کلیه مدارس مذهبی را باید برچید. کودکان باید بدور از تعرض و دست اندازی مذهب آموزش ببینند. باید قاطعانه از حقوق کودکان در برخورداری از آموزش و پرورش جدا از مذهب دفاع کرد. یک رکن نابودی و ریشه کن کردن اسلام سیاسی جلوگیری از دست اندازی جریان‌های اسلامی به کودکان و مصون داشتن آنها از دست فرقه‌ها و جریان‌های مذهبی است. دولتهای غربی با باز گذاشتن دست فرقه‌ها و جریان‌های مذهبی و یا با کمک مادی به آنها عملاً در قریانی شدن کودکان توسط جریان‌های اسلامی شریک هستند. مدارس اسلامی باید فوراً برچیده شوند. هر گونه حمایت و سوسیسید دولتی به جریان‌های مذهبی باید قطع شود. حجاب کودکان بدون استثنا، باید ممنوع شود. حجاب کودکان تحمیل پوشش فرقه‌های مذهبی اسلامی به کودکان و ابزاری برای ایجاد آپارتاید جنسی در جامعه و محروم کردن کودکان از فعالیت اجتماعی، تفریح و برخورداری از یک زندگی شاد و خلاق و ایمن است. جامعه باید از منافع و حقوق کودکان قاطعانه دفاع کند. کودکان مذهب ندارند. جامعه باید شرایط یکسان و برابری برای آموزش همه کودکان فراهم کند.

## مقابله با راسیسم

## و مسلمان ستیزی

تروریسم کار مسلمانان نیست. سیاست استراتژیک جنبش اسلام سیاسی و جریان‌های تروریست

اسلامی است. سیاستی که بجای جریان‌ها و دولتهای اسلامی افراد مسلمان را هدف تهاجم سیاسی و تبلیغی خود قرار میدهد، راسیستی و ضد انسانی است. این سیاستهای ارتجاعی عملاً منجر به مقبولیت جریان‌ها و فرقه‌های ارتجاعی اسلامی در میان قریانیان راسیسم و محیط‌های اسلامی میشود. مبارزه قاطع با راسیسم و مسلمان ستیزی یک وجه مهم مبارزه علیه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است.

## فراخوان ما

سازمانها و دولتهای تروریست، تروریسم را به یک واقعیت سیاه در زندگی مردم تبدیل کرده‌اند. به این وضعیت باید پایان داد. این کار بشریت متمن و آزادیخواه است. فراخوان ما به مردم جهان این است که برای نابودی تروریسم اسلامی به میدان بیایند و پرچم مبارزه برای خواستهای زیر را بفرارزید:

- ۱- قطع کمک‌های مادی و سیاسی و دیپلماتیک به تمامی دولتها، احزاب و جریان‌های اسلامی.
- ۲- قطع فوری حمایت از سیاستهای تجاوزگرانه و دولت ارتجاعی اسرائیل.
- ۳- خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا و بریتانیا و متحدینشان از عراق و مقابله با سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و ناتو، خلع سلاح کلیه نیروهای اسلامی و قومی در عراق.
- ۴- دفاع پیگیر از مبانی سکولاریسم، جدایی کامل آموزش و پرورش و دولت از مذهب. ممنوعیت مدارس و دادگاه‌های مذهبی. ممنوعیت حجاب کودکان.
- ۵- مقابله قاطعانه با سیاست راسیستی مسلمان ستیزی.

ما قاطعانه اعلام میکنیم که در صورت عدم حمایت غرب از جریان‌های اسلامی این جریان‌های اسلامی و تروریستی از جنبشهای سکولاریستی، آزادیخواهانه و سوسیالیستی در منطقه به آسانی و بسرعت شکست خواهند خورد.

## دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ اوت ۲۰۰۵

## در مقابل دفاتر سازمان ملل تجمع کنید!

## خواهان دستگیری و محاکمه احمدی نژاد شوید!

## مردم آزادیخواه،

## مخالفین جمهوری اسلامی!

نیست و باید با همین عنوان هم به جهانیان معرفی شود و با او برخورد شود! احمدی نژاد از طراحان و سازماندهندگان ترورهای خارج کشور بوده است. احمدی نژاد مامور زدن تیر خلاص به زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در بیدادگاههای رژیم بوده است. ما خواهان دستگیری و محاکمه وی هستیم! از نظر ما احمدی نژاد باید دستگیر و به جرم شرکت در قتل و ترور و جنایت علیه مردم محاکمه شود. او متهم به این جنایات است و باید دستگیر و در دادگاههای بین‌المللی محاکمه شود. باید برای صدور حکم جلب و دستگیری احمدی نژاد توسط مراجع بین‌المللی اقدام کرد.

## مردم آزادیخواه، م

## خالفین جمهوری اسلامی!

در میتینگ‌های اعتراضی روز ۱۴ سپتامبر به حضور احمدی نژاد در نیویورک و در مجمع سازمان ملل شرکت کنید. باید خواست دستگیری و محاکمه این جانی را همه جا طنین انداز کنیم. در روز ۱۴ سپتامبر در مقابل دفاتر سازمان ملل در کشورهای مختلف اجتماع خواهیم کرد تا شعار "نابود باد جمهوری اسلامی ایران"، زندانیان سیاسی آزاد باید گردند" و "آپارتاید جنسی ملغی باید گردد" و شعار و خواست مهم مردم ایران یعنی "زنده باد آزادی و برابری" را فریاد کنیم. کاری کنیم تا صحنه‌های پر شور این اعتراضات چنان در جهان انعکاس یابد که موجی از حمایت و همبستگی از مبارزات مردم ایران براه بیافتد و رژیم اسلامی را با رسوایی بیشتر مواجه سازد. بپاخیزید و این کار را با قدرت سترگ خود عملی سازید! در اطلاعیه‌های بعدی زمان و محل دقیق تجمعات را به اطلاع خواهیم رساند!

## تشکیلات خارج کشور

## حزب کمونیست کارگری ایران

۲ شهریور ۱۳۸۴ - ۲۴ اوت ۲۰۰۵

احمدی نژاد، رئیس حکومت آدمکشان جمهوری اسلامی، قرار است برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، روز ۱۴ سپتامبر در نیویورک باشد. حزب کمونیست کارگری شما را فرا می‌خواند که با تجمع در مقابل دفاتر سازمان ملل در اعتراض به حضور این قاتل و جانی در خارج و مجامع بین‌المللی، حکم محکومیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را با صدایی رسا اعلام کنید!

احمدی نژاد یکی از مهره‌های توحش و بربریت حکومت اسلامی ایران است. حکومتی که برای برون رفت از بحران همه جانبه اش و در رویارویی با مردم، به او که یکی از مهره‌های جناح راست و قداره بند رژیم است، متوسل شده است. پاسخ این تقلائی جمهوری اسلامی را مردم ایران با اعتراضات اخیر خود در اهواز و شهرهای مختلف کردستان و همچنین با تداوم اعتراضات متعدد کارگری داده‌اند و گسترده‌تر از این خواهند داد! باید سفر رئیس جدید حکومت اوباشان اسلامی به نیویورک با اعتراض قدرتمند همه مردم آزادیخواه و مخالفان جمهوری اسلامی روبرو شود. ما شما را فرا می‌خوانیم که به این مناسبت در میتینگ‌های اعتراضی ای که از سوی حزب در مقابل سازمان ملل در نیویورک و همچنین دفاتر سازمان ملل در سایر کشورها سازماندهی می‌شود هر چه وسیعتر شرکت کنید. باید با شرکت گسترده خود در این میتینگ‌ها نشان دهیم که حضور سران و فرستادگان رژیم در خارج کشور را نه فقط تحمل نمی‌کنیم بلکه، خواهان محاکمه و مجازات آنها نیز هستیم. با شرکت در این میتینگ‌ها ی اعتراضی باید به همه جهانیان نشان دهیم که ما در همبستگی با مبارزه انقلابی مردم ایران خواهان برچیده شدن بساط سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و مرفه هستیم!

از نظر مردم ایران احمدی نژاد نماینده چیزی جز قتل و جنایت

## مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## اگر میخواهید

از صفحه ۱

اسلامی" را حتی در کشورهای غربی در حجاب اسلامی نپسند و فادیمه ها و پیلاها قربانی قتل‌های ناموسی نشوند؛

## اگر میخواهید:

با آپارتاید جنسی در ایران و در جوامع اسلام زده مقابله شود و مبارزه برای برابری زن و مرد به پیروزی برسد؛

## اگر میخواهید

از دیپورت زهرا کاملی ها و هزاران انسان پناهنجو و مهاجر دیگر که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند جلوگیری شود و بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در کشورهای غربی پذیرفته شوند؛

- اگر میخواهید:

مبارزه جوانان برای یک زندگی خلاق و سرشار از شادی و آزادی، به پیروزی برسد؛

## اگر میخواهید:

اعتصابات کارگری موفق شوند و مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد به ۴۵۰ هزار تومان به پیروزی برسد؛

## اگر میخواهید:

جبهه انسانیت و سکولاریسم و مدنیت، در مقابل حکومت اسلامی، تروریسم اسلامی و میلیتاریسم دولتهای غربی تقویت شود؛

## اگر میخواهید:

پرونده جنایات احمدی نژاد و رفسنجانی و خامنه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی در دادگاههای بین المللی و در دادگاه افکار عمومی مردم جهان گشوده شود و این جانیان به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند؛

## اگر میخواهید:

مردم ایران هر چه زودتر از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند و به آزادی و برابری و رفاه برسند؛

از حزب کمونیست کارگری ایران حمایت کنید! حزب برای ادامه و بسط فعالیت‌هایش در عرصه های فوق، برای ادامه کار رادیو و تلویزیون انترناسیونال که صدای شما است، به کمکهای مالی یک یک شما انسانهای شریف و آزادیخواه احتیاج دارد! به ما کمک مالی کنید!

## حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اوت ۲۰۰۵، ۳۰ مرداد ۱۳۸۴

## تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

شماره حسابهای حزب در زیر درج شده است. کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای

مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

## شماره حساب ها:

## انگلیس:

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

## سوئد:

پست جیرو 3-6396060  
صاحب حساب IKK

## آلمان:

Dariusz safe  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

## کانادا:

TD Canada Trust  
A. Mikanik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را فوراً به ما اطلاع دهید.

## ۶۰۰ نفر دیگر از کارگران پتروشیمی ماهشهر طومار ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد را امضا کردند

قطعه نامه های اول مه در تبریز و چند شهر خوزستان، کارگران کارخانه شاهو، جمعی از کارگران پالایشگاه اصفهان، ۱۵۲ نفر از کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و جمع های دیگری از کارگران به امضا رسیده است. حزب کمونیست کارگری از تلاش فعالین کارگری در پتروشیمی ماهشهر قدردانی میکند و کارگران مراکز کارگری در سراسر کشور را به پیوستن به این کمپین و دامن زدن به جنبش افزایش دستمزد به حداقل ۴۵۰ هزار تومان فرامیخواند.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اوت ۲۰۰۵، ۲ شهریور ۱۳۸۴

لیست شماره ۱  
در پاسخ به فراخوان مالی حزب

در پاسخ به فراخوان کمپین جمع آوری ۱۰۰ هزار دلار در یک ماه، در اولین هفته ۲۳۷۵۰ دلار از ایران و خارج کشور جمع آوری شده است. در سه هفته باقیمانده ۷۶۲۵۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود.

بعلاوه مبالغی نیز از جانب افراد و برخی واحدهای حزب تعهد داده شده است که بدنبال عملی شدن این تعهدات، در لیست های بعدی اعلام خواهد شد.

## انگلیس:

۱\_ فریبرز دانشور ۲۰۰۰ پوند  
۲\_ مریم نمازی و فریبرز پویا ۱۰۰۰ پوند  
۳\_ دانش فرزانه ۱۰۰ پوند

## کانادا:

۴\_ بانو مخبر ۱۰۰ دلار کانادا  
۵\_ ن.ن ۲۰ دلار  
۶\_ بابک یزدی ۱۱۰۰ دلار  
۷\_ امیر روشن ۲۰۰ دلار  
۸\_ عصام شکری ۱۰۰ دلار  
۹\_ اقبال ۲۰۰ دلار  
۱۰\_ فرزانه ۱۰۰ دلار  
۱۱\_ آلا ۲۰ دلار  
۱۲\_ ورونیکا ۲۰ دلار  
۱۳\_ مسعود ارژنگ ۲۰۰ دلار  
۱۴\_ یوهان محبوبی ۵۰ دلار  
۱۵\_ حسین ۱۰ دلار  
۱۶\_ محسن ابراهیمی ۱۰۰۰ دلار

## ایران:

۱۷\_ حسن رضائی ۵۰ هزار تومان  
۱۸\_ آرش آسمونی ۳۵۰ هزار تومان  
۱۹\_ سیامک همدانی ۵۰ دلار

## هلند:

۲۰\_ فرشته مرادی و بهمن خانی ۱۰۰۰ یورو

## فنلاند:

۲۱\_ امیر توکلی ۱۰۰ یورو  
۲۲\_ شایسته رازی ۱۵۰ یورو

## آمریکا:

۲۳\_ سعید مدانلو ۲۰۰۰ دلار  
۲۴\_ وفا و شری ۱۰۰۰ دلار  
۲۵\_ ستار و یاسمن ۱۰۰۰ دلار  
۲۶\_ عباس و فهیمه ۱۰۰۰ دلار  
۲۷\_ علا فرهادی ۵۰۰ دلار

## سوئد: گوتنبرگ:

۲۸\_ مجید حمیدیان ۱۰۰۰ کرون  
۲۹\_ منیژه امید ۱۰۰۰ کرون  
۳۰\_ از یوتوری "بیاد منصور حکمت" ۳۰۰ کرون  
۳۱\_ rabatt dack ۶۰۰ کرون  
۳۲\_ Deksan Food ۵۰۰ کرون  
۳۳\_ "ی" از طریق عبدالله اسدی ۳۰۰ کرون  
۳۴\_ سوسن صابری و منصور فرزاد ۱۰۰۰ کرون  
۳۵\_ جمشیده از طریق سوسن صابری ۲۰۰۰ کرون  
۳۶\_ رحیم مسعودی ۱۵۰ کرون  
۳۷\_ پویا احمدی ۱۵۰ کرون

## سوئد: مالمو

۳۸\_ فریده آرمان ۵۰۰۰۰ کرون  
۳۹\_ فعالین حزب، جمع آوری کمک از مردم ۳۰۰۰ کرون

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

## دفتر مرکزی حزب

## در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



### قانون اساسی عراق

در عراق آمریکا مشغول شکل دادن به یک حکومت اسلامی - قومی است. جورج بوش در سخنرانی اش بر واژه "سازش" بعنوان کلید پیشروی روند آمریکائی در عراق و توافق بر سر بندهای قانون اساسی تاکید کرد. کسی منتظر نبود آمریکا بعد از سرنگونی دیکتاتوری صدام، دولت سکولار و یا یک دموکراسی پیشرفته بورژوازی بیاورد. "نظم نوین" همین است که میبینید، راه حل آمریکائی و از بالا برای تغییر که عمده اپوزیسیون راست و ناسیونالیست و جمهوریخواه ایران به آن امید بسته است، همین است. دولتی مذهبی و قومی که اجزا تشکیل دهنده آن شباهت زیادی دارد با گروه های مافیائی و مناسبات مابین آنان نیز همینطور. قانون اساسی عراق و سازش مورد اشاره بوش مابین طرفهای درگیر، در واقع تعیین مناسبات و منافع و منطقه نفوذ گروههای آدمکشی است که امروز زندگی مردم عراق را گرو گرفته اند. مردم عراق مانند مردم هرجای دیگر جهان خواهان آزادی و امنیت و رفاه هستند. دولت کنونی و مجمع ملی عراق ظرف تجمع عقب مانده ترین و مرتجع ترین نیروهای آن جامعه است و قانون اساسی عراق نمیتواند جز سند بردگی مردم عراق زیر دست این جنایتکاران باشد. نه حمله نظامی آمریکا به عراق کوچکترین مشروعیتی داشت، نه دولت دست ساز فعلی عراق و مقاماتش، نه اپوزیسیون بیسیستم بقایای دولت فاشیست بعث، و نه قانون اساسی که قرار است سند سازش این نیروها و منافع آتی و آتی آنها باشد. با تصویب این قانون و علیرغم هر سازشی، جنگ در عراق خاتمه نمی یابد. این قانون هم تنها نقطه ای در یک روند جنگ است. اما یک پیروزی برای جریانات فرقه ای و مرتجع محسوب میشود و براساس آن حاکمیت شان را بر سر مردم صورتی قانونی میدهند. نه فقط جامعه

عراق بلکه دنیای متمدن باید علیه این آینده شوم و این قانون اساسی و دولت مرتجع و مستعجل حاصل آن بپایزد. این قانون و این دولت ذره ای مشروعیت ندارد.

در عراق امروز سکولاریسم و دولت غیر قومی و غیر مذهبی و تاملین آزادیهای سیاسی برای همگان تنها در یک جمهوری سوسیالیستی ممکن است.

### دولت بحران

احمدی نژاد سمبل بن بست لاعلاج جمهوری اسلامی است. اگر خاتمی نمایش عقب نشینی رژیم در مقابل مردم بود و این عقب نشینی را با اسم رمز "جامعه مدنی و مردمسالاری" توضیح میدادند، احمدی نژاد رئیس فرمانداری نظامی محسوب میشود. این دولت دوره بحران است. دولتی است که قرار است کل توان سرکوب و سببیت رژیم را در مقابل جنبش سرنگونی و انقلاب کارگری به میدان بیاورد. رژیم اسلامی با احمدی نژاد وارد نبرد ماندن و رفتن شده است. کابینه او با شرکت خشن ترین شکنجه گران و پرونده سازان و تروریست ها قرار است در دلها ترس و وحشت جاری کند. خود احمدی نژاد با سابقه

سرتیم ترور و تیر خلاص زن "بلون شرح" است. اما سوال اینست مگر اینها از ابتدا همراه با خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و جنتی و دیگران در همین حکومت نبودند و برای سرپا نگهداشتن همین حکومت آدم نکشتند؟ این همان حکومت است، حکومت گانگسترهای مسلح اسلامی با همان آدمها و با همان عقاید و با همان روشهای حکومتی. تفاوتی اگر هست اینست که امروز در روند جنگ بقا ناچار شده اند که تیم زبده ترین آدمکشان را جلو صحنه بیاورند تا شاید با ایجاد رعب و وحشت زمان بخرند و راه حلی برای بقا جستجو کنند. این دولت و این افراد "خوشنام" که جلو صحنه آمدند محصول دوران پسا دو خرداد است. دوره ای که رژیم

اسلامی فقط میتواند به زبان امنیتی و قهر با مردم و حتی خودیها روبرو شود و دیگر بازار خرده فیلسوفها و تازه ژورنالیستهای هوادار پوپر و مارکوزه کساد است. این دوره قوانین ویژه خود را دارد. وحشیگری رژیم در شهرهای کردستان و شکنجه شدید زندانیان سیاسی، گسترش اعدامها در ملا عام و کشتن نوجوانان و کودکان، شروع اعمال فشارهای فوق برنامه به زنان، طرحهای نام نویسی برای عملیات انتحاری و امثالهم گوشه هائی از قیافه این دولت است. اما این سیاستها همیشه و کم و بیش وجود داشته اند و اعمال شده اند و این هنوز موقعیت رژیم اسلامی است.

جمهوری اسلامی میخواهد عده ای را بگوید. به عبارت دیگر دولت احمدی نژاد توان و مقدرات سرکوب حکومت را تست خواهد کرد. اما رویدادهای کردستان نشان داد که جمهوری اسلامی بسادگی کنترل اوضاع از دستش خارج میشود. نه فقط این سیاست مردم را نیتیرساند بلکه جامعه را بسرعت قطبی و به اعمال قهر متقابل سوق میدهد. ایندوره رویارویی مردم و رژیم اسلامی افت و خیزهای متعددی خواهد داشت، اما یک چیز مسلم است؛ بازنده جمهوری اسلامی است و این را باید حزب و جنبش ما، کمونیسم کارگری، تضمین کند. دولت احمدی نژاد جمهوری اسلامی را تقویت نمیکند، آنرا به مرحله سقوط نزدیک میکنند.

### کجا فرار میکنید؟

اگر شکنجه گران و قاتلین حکومت اسلامی فکر میکنند میتوانند بعد از سقوط نظامشان به جایی امن "پناهنده" شوند و پولهای دزدی و باد آورده را نوش جان کنند، زیادی در توهم غوطه ورنند. روسای شما قبل از اینکه دیر شود به "غلط کردم" خواهند افتاد و تمام کاسه کوزه را سر پادوهایشان خواهند کوبید. نسل احمدی نژاد و شرکای سابق دو خردادی و سابق تریغ زن و شکنجه گر، کسانی که زیر پرچم خمینی کرور کرور آدم کشتند و حالا به جان هم افتادند، کسانی که به سیاق لاجوردی جلاد و حاج داوود رحمانی و دیگران دستور تجاوز به زندانیان را صادر میکنند، کسانی

## اعلام موجودیت بیانیه انجمن ضد دین

با انتشار این بیانیه آغاز فعالیتهای انجمن ضد دین را اعلام میکنیم. انجمن ضد دین در پاسخ به نیازهای جنبش رهایی از مذهب؛ خصوصا اسلام؛ و در دفاع از جامعه سکولار تشکیل شده است.

تقابل سیاسی و فکری با اسلام و توضیح نقش اسلام سیاسی در تاریخ معاصر از ارکان اصلی فعالیت ماست. تقدس و تابوشکنی در نقد مذهب و سنن و خرافه های مذهبی از اولویتهای کار انجمن است.

انجمن جهت پیشبرد اهداف خود ماهیانه دو شماره نشریه با نام (سکولار) منتشر خواهد کرد.

انجمن ضد دین همه آزادیخواهان و بی مذهبها را به

همکاری دعوت میکند. شما میتوانید از هم اکنون با ایمیل مستقیم انجمن و یا با تلفن و ایمیل سخنگوی انجمن تماس حاصل نمایید:

ایمیل انجمن:  
zeededin@yahoo.com

آدرس وب سایت انجمن بزودی اعلام میگردد

ایمیل سخنگوی انجمن  
(محمد رضا پویا)

m\_r\_pooya@yahoo.com

تلفن:  
0031640335927  
0031613248331

انجمن ضد دین  
تاریخ ۱۲ آگوست ۲۰۰۵

**کارگر کمونیست ۱۶**  
منتشر شد  
[www.wpiran.org/kk-index.htm](http://www.wpiran.org/kk-index.htm)

### رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

که در کشتارهای تابستان ۶۷ و سالهای ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ دخیل بودند و امروز میخواهند آخرین آثار گورهای دسته جمعی را پاک کنند، کسانی که در عراق و ترکیه و خارج کشور دست به ترور و آدم ربائی زدند و حالا در کنج دفتر شکنجه گاههای سازمان اطلاعات فعالین سیاسی را تهدید میکنند، اینها و سران نظان کیفشان جانی برای فرار ندارند. باید حساب پس دهید، باید حقایق یک ربع قرن نسل کشی را عیان کنید، باید پرونده های جنایت و گورهای دسته جمعی گشوده شود، درست مانند جنایات فاشیسم ایتالیا، باید دنیا بداند که برسر کارگران و مردمی که در سال ۵۷ برای آزادی و برابری و رفاه بپاخواستند و توسط صف ضد انقلاب اسلامی به خون کشیده شد چه آمده است! این ممکن نیست بجز در دادگاههای محاکمه سران و دست اندرکاران جنایت در رژیم اسلامی. خط احمدی نژاد، یعنی خط رسمی جمهوری اسلامی، آمده است همین واقعیت را به عقب بیانداز اما دیر است. کسانی که امروز زندانیان و دستگیرشدگان اعتراضات علیه رژیم را شکنجه میکنند خوب است کمی هم به فردا فکر کنند! کجا فرار میکنید؟\*